

چرخه‌های تجاری و بایسته‌های سیاستگذاری در سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۴۰ - ۱۳۸۰)

حسام نیکوپور*

چکیده

مقابله با عدم امنیت اقتصادی و عدم اطمینان در مقابل از دست دادن درآمد یا حداقل معیشت از جمله وظایف کارکردی نظام تأمین اجتماعی است و موفقیت صندوق تأمین اجتماعی در بلندمدت وابستگی زیادی به اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های مناسب آن دارد. یکی از مهمترین عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد و تصمیم‌گیری سیاستگذاران صندوق تأمین اجتماعی فضای اقتصاد کلان کشور است. جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب و برخورد فعال - نه منفعل - با محیط بیرونی، شناخت وضعیت رکود و رونق اقتصادی یا به عبارتی چرخه‌های تجاری اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله با استفاده از فیلتر هادریک - پرسکات، چرخه‌های تجاری ایران طی دوره زمانی ۱۳۴۰ - ۱۳۸۰ محاسبه شده و ارتباط این چرخه‌ها با برخی از متغیرهای سازمان تأمین اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقدمه

وابستگی دو جانبه میان محیط اقتصادی و تأمین اجتماعی، ایجاب می‌کند که مابین سیاست‌های کلان اقتصادی از یکسو و سیاست‌های تأمین و رفاه اجتماعی از سوی دیگر

* کارشناس ارشد اقتصاد نظری از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز

همه‌انگهی پایدار و مستمری ایجاد شود، تا بدین طریق با گسترش رفاه اجتماعی موجبات افزایش فعالیت‌های تولیدی و نهایتاً کارایی و بازده اقتصادی فراهم آید.

بدین ترتیب لازم است که افزایش هزینه‌های رفاهی و تأمین اجتماعی دولت‌ها که باعث عدم تعادل در سطح تقاضای کل می‌شود، در دوران رونق اقتصادی، محدود و حتی الامکان سیاست‌های مورد نظر به عنوان عوامل حمایت‌کننده در دوران رکود یا بحران‌های اقتصادی اعمال شوند تا از این طریق موجبات تغییرات کمی و کیفی در اقتصاد و نهایتاً افزایش تولید ملی فراهم آید. شایان ذکر است که اجرای قاطع چنین سیاستی در جهت نیل به اهداف کلان اقتصادی تحت هر شرایطی با در نظر گرفتن چرخه‌های تجاری امکان‌پذیر نیست. در اقتصادهایی مانند ایران که رکود همراه با تورم در آن دیده می‌شود انطباق سیاست‌های تأمین اجتماعی با سیاست‌های کلان اقتصادی بسیار دشوار و پیچیده است.

وجود پدیدهٔ رکود تورمی و تعدیل دستمزدها و مستمری‌ها با نرخ تورم موجب افزایش بار بیمه‌های اجتماعی (نسبت درآمدهای حاصل از حق بیمه به ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات)^۱ شده و گسترش فرار بیمه‌ای، کاهش منابع بیمه‌ای و در نهایت امتداد روند رکودی را به همراه خواهد داشت.

در نتیجه، تصمیم‌گیری درخصوص تعیین حداقل دستمزد و تعدیل مستمری‌ها خصوصاً در دوران رکودی که همراه با تورم است، از اهمیت به سزایی در پایداری صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی برخوردار است. از سوی دیگر صندوق بیمهٔ بیکاری به عنوان مهمترین ابزار حمایتی صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی به شدت تحت تأثیر چرخه‌های تجاری بوده و توجه به عمق رکود و طول دورهٔ رکودی یا رونق اقتصادی جهت ارائهٔ مزایای بیمهٔ بیکاری به قسمی که به عنوان برنامهٔ تثبیت‌کننده اقتصادی به خوبی عمل کند حائز اهمیت خواهد بود. چرا که عدم توجه به چرخه‌های تجاری خصوصاً در زمینهٔ مدیریت صندوق بیمهٔ بیکاری موجبات افزایش بیکاری و تشدید رکود اقتصادی را در کشور فراهم می‌سازد.

لذا در این مقاله تلاش بر این است که ضمن شناخت و بررسی عوامل ایجادکنندهٔ چرخه‌های

۱. حسام نیکوپور؛ تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی ایران با تأکید بر انگیزهٔ فرار بیمه‌ای (۴۰ - ۱۳۸۰)، فصلنامهٔ تأمین اجتماعی، سال ششم، شماره ۱۸.

تجاری ایران، سیاست‌های صندوق تأمین اجتماعی در رابطه با بدهی‌های دولت، بخشودگی جرایم، بیمه بیکاری، بیمه‌شدگان حرف و مشاغل آزاد و اختیاری و سرمایه‌گذارها مورد تحلیل قرار گیرد.

تعریف و مفهوم چرخه‌های تجاری

تعاریف زیادی از چرخه‌های تجاری در متون اقتصادی ارائه شده است، اما به‌طور عام تمامی تعاریف معنای مشابه دارند. به همین دلیل، کمتر مجادله‌ای پیرامون این موضوع صورت گرفته است. برنز و میچل^۱ (۱۹۴۶) چرخه‌های تجاری را این چنین معرفی می‌کنند که "چرخه‌های تجاری نوعی نوسانات با قاعده و منظم در فعالیت‌های کلان اقتصادی کشورها است که عمدتاً، به وسیله بنگاه‌های تجاری سازماندهی می‌شوند. یک چرخه، با یک دوره رونق اقتصادی که همزمان در فعالیت‌های متعدد اقتصادی رخ می‌دهد، شروع و به دوره رکود و انقباض منتهی می‌شود. این سلسله از تغییرات بارها و بارها تکرار می‌شوند، ولی حالت منظم دوره‌ای ندارند. به عبارتی مدت زمان چرخه‌های تجاری ممکن است از یک سال تا ۱۰ الی ۱۲ سال متغیر باشد. این چرخه، قابل تقسیم به چرخه‌های کوتاه‌تری نیست."

دورنبوش^۲ و دیگران نیز در تعریفی مشابه "چرخه‌های تجاری را فراز و نشیب‌های منظم از رونق و رکود در فعالیت‌های اقتصادی پیرامون مسیر رشد اقتصادی" می‌دانند. لوکاس^۳ نیز، "چرخه‌های تجاری را انحرافات تکرار پذیر تولید ناخالص داخلی حقیقی حول روند بلندمدت آن" تلقی می‌کند. بنا به تعریف، چرخه‌های تجاری نوعی نوسانات با قاعده و منظم در فعالیت‌های کلان اقتصادی کشورها است. این ویژگی اساسی به این معنی است که هر نوسان مشاهده شده در اقتصاد منعکس‌کننده چرخه‌های تجاری نیست. نوسانات در اقتصاد می‌تواند تصادفی باشد مانند جنگ که فعالیت‌های اقتصادی را بدون الگوی منظم و مشخصی به سمت بالا و پائین سوق می‌دهد. تعریف برنز و میچل، توصیف واضح و روشنی از خصوصیت اصلی چرخه‌های تجاری است. در این تعریف چهار نکته اساسی دیده می‌شود:

الف. این نوع نوسانات در فعالیت‌های عمده اقتصادی است که تنها مربوط به تولید ملی نمی‌شود، بلکه بعضی از متغیرهای دیگر نظیر اشتغال، سطح قیمت‌ها و متغیرهای بازار مالی نیز در آن حائز اهمیت‌اند؛

1. Brenz & Michel

2. Dornboush

3. Locus

ب. چرخه‌های تجاری اختصاص به بخش‌های خاصی از اقتصاد یا تعداد مشخصی از متغیرها ندارد، بلکه رونق و رکود در زمان واحد در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی به طور همزمان مطرح می‌شوند، به این خصوصیت، هم حرکتی می‌گویند؟

ج. زمانی را که یک چرخه تجاری طی می‌کند، می‌تواند از یک سال تا بیش از ده سال متغیر باشد. اما نکته قابل تأمل آن است که وقتی رکود شروع شود اقتصاد تمایل به عملکرد انقباضی از خود نشان می‌دهد و این وضعیت برای یک سال یا بیشتر ادامه می‌یابد؛

د. الگوی رکود و رونق به طور پیوسته تکرار می‌شود. اما الگوی متناوب پدید نمی‌آورد، بدین معنی که گسترش و شدت نوسانات همواره برابر نیستند و دنباله رونق و رکود بارها و بارها در اقتصاد مشاهده می‌شود.

مروری بر نظریه‌های چرخه تجاری در متون اقتصادی

با توجه به تئوریهای مختلف اقتصادی نظریه‌های متفاوتی در خصوص چرخه‌های تجاری در متون اقتصادی مطرح می‌شود. برخی از نظریه‌ها، به بی ثباتی یا عدم تناسب بین دوره‌ای سرمایه‌گذاری ثابت اشاره داشته و برخی نادرستی تعدیل سرمایه‌گذاری ذخایر انبار را مطرح می‌کنند. برخی بر عدم تعادل قیمت - هزینه و تغییر شدید انتظارات و اثر آن بر سود فعالیت‌های اقتصادی متمرکز شده‌اند و برخی دیگر بر تغییرات عرضه و تقاضای پول و اعتبارات و نقش نرخ‌های بهره اسمی و حقیقی تأکید می‌ورزند.

گرچه نظریه‌های مختلفی در خصوص علت پیدایش چرخه‌های تجاری در ادبیات اقتصادی وجود دارد اما می‌توان آنها را بر اساس نوع محرک‌ها در دو گروه تکانه‌های تقاضای کل و تکانه‌های طرف عرضه طبقه‌بندی کرد. تکانه‌های طرف تقاضا موجب انتقال منحنی تقاضای کل می‌شود و از عواملی نظیر مصرف، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و خالص صادرات سرچشمه می‌گیرد. تکانه طرف تقاضا ممکن است در هر یک از متغیرهای مذکور به طور غیرمنتظره رخ دهد. برای مثال، تصمیم مصرف‌کنندگان ممکن است این باشد که سهم کمتری از درآمد را پس‌انداز کنند، که محتمل است ناشی از جوان‌تر شدن متوسط سنی جامعه یا ناشی از خوش‌بینی بیشتر نسبت به آینده باشد، در حالت دیگر، تکانه‌های طرف عرضه نیز می‌توانند نوسانات اقتصادی را به وجود آورند.

زمانی که نظریه چرخه‌های تجاری حقیقی به عنوان یکی از آخرین رهیافت‌های چرخه‌های تجاری مطرح شد، یک منبع تکانه طرف عرضه با عنوان نوآوری در فناوری معرفی شد. در

نتیجهٔ تکانه مثبت فناوری، سطح بهره‌وری نیروی کار بالا می‌رود، تولید افزایش می‌یابد و تولید بیشتر مستلزم تقاضای بیشتر برای کالاهای سرمایه‌ای و نیروی کار است. هر لحظه که اقتصاد یک تکانه منفی را تجربه کند، اقتصاد به سمت مسیر انقباضی حرکت می‌کند و دوباره به طور مشابه، تسلسل نزولی در اقتصاد تکرار می‌شود.

اما در مورد اینکه عملاً، کدام یک از تکانه‌های مذکور موجب پیدایش نوسانات چرخهٔ تجاری می‌شود توافق قطعی وجود ندارد. در مطالعه‌ای که به وسیله کانوا^۱ برای کشورهای پیشرفته صورت گرفت محرک‌ها به سه صورت، تکانه‌های اسمی سمت تقاضا (تکانه‌های وابسته به متغیرهای پولی)، تکانه‌های حقیقی تقاضا (سرمایه‌گذاری، مصرف و ...) و تکانه‌های سمت عرضه تقسیم‌بندی شده‌اند که نتیجهٔ به دست آمده دربارهٔ علت پیدایش چرخه‌های تجاری از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است.

در مطالعات تجربی گروه‌بندی‌های خاصی صورت گرفته است که تقریباً همگی بیانگر روابط هم حرکتی محصول بین کشورها و تأثیرپذیری این کشورها از عوامل خارجی است. آنچه با اهمیت تلقی می‌شود، این است که بخش بیرونی، نقش کلیدی در شکل‌گیری پویایی نوسانات اقتصادهای کوچک باز ایفا می‌کند. شکل‌گیری چرخه‌های تجاری در تحلیل نوسانات اقتصادهای کوچک باز مستلزم درک این موضوع است که سرچشمهٔ چرخه‌های تجاری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌تواند به وسیله تکانه‌های برگرفته از کشورهای توسعه‌یافته باشد که شرایط حرکت چرخه‌ای را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، چرخه‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته نمی‌تواند به طور کامل یک فرآیند درون‌زا معرفی شود.

عوامل بیرونی از دو مجرای متفاوت، اقتصادهای کوچک باز را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نخست از مجرای دگرگونی در روابط مبادله با شرکای تجاری - مالی و دوم از طریق حوادثی مانند تکانه‌های نفتی. برای تحلیل چرخه‌های تجاری، دگرگونی اولیه بسیار مهمتر است، زیرا، آنها در طول زمان پایدار هستند.

ضربه‌های وارد آمده از سوی شرکتهای تجاری و مالی عموماً توسط دو نوع سازوکار انتقال در اقتصاد این کشورها تسری می‌یابند، کانال‌های تجاری و مالی. کانال تجاری به طور عمده به

1. Canova & etl. (2000)

نوسانات در صادرات (عامل تقاضا) کشورهای کوچک وابسته است، در حالی که سازوکار مالی با دگرگونی در نرخ بهره (عامل هزینه) منتج شده از نرخ بهره جهانی، بستگی دارد.

روش مورد استفاده در پژوهش

مطابق بحث بلانچارد^۱ و فیشر^۲ (۱۹۸۹) مهمترین مساله‌ای که اقتصاددانان کلان در تعریف مشخصات نوسانات تولیدی با آن روبرو هستند، جدا کردن روند از دوران است. این تجزیه را می‌توان به عنوان یک مسئله صرف آماری که فاقد اهمیت اقتصادی است، با استفاده از روش هادریک - پرسکات^۳ (۱۹۸۶) مورد نگرش قرار داد. اما به هر حال، بیشتر اقتصاددانان به تحول اقتصاد در طول یک مسیر معین رشد در پی نوسانات کوتاه‌مدت اعتقاد دارند که این مسیر را می‌توان به عنوان روند در نظر گرفت. یکی از راه‌های مفید برای نزدیک شدن به موضوع این است که فکر کنیم اقتصاد از دو نوع تکانه تأثیر می‌پذیرد؛

بعضی از این تکانه‌ها، آثار دائمی بر تولید می‌گذارند که آنها را تکانه دائمی می‌نامند (برای مثال، بهبود بهره‌وری)، برخی از تکانه‌ها، آثار گذرا یا موقتی دارند و آثار آنها بر تولید، در طول زمان، از میان می‌رود (مانند افزایش موقتی مخارج دولت و تغییرات حجم پول). بنابراین، می‌توان روند را آن بخش از تولید تلقی کرد که ناشی از تکانه‌های دائمی است. از نظر ساختار، چنین سری‌هایی غیرپایا خواهند بود. در مقابل آن بخش از نوسانات تولید که ناشی از تکانه‌های موقتی است، مربوط به [آن] دوران‌های اقتصادی بوده که از نظر ساختار سری‌ها پایا هستند. به منظور استخراج چرخه‌های تجاری فرض می‌شود که داده‌های سالانه سری زمانی تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران، مجموع دو جزء روند بلندمدت و نوسانات چرخه‌ای است. برای تفکیک این اجزاء از فیلتر هادریک - پرسکات در دو مرحله استفاده می‌شود. در مرحله اول، از این فیلتر جهت استخراج روند بلندمدت بهره‌گیری شده و در مرحله دوم جزء چرخه‌ای از باقیمانده حاصل، استخراج می‌شود.^۴ با استفاده از روش تخمین آماری هادریک - پرسکات، جزء روند به صورت زیر محاسبه می‌شود:

1. Blanchard 2. Fisher 3. Hodrick-Prescott (HP)
4. Farooq Arby, M. (2001)

$$\text{Min} \left\{ \sum_{t=1}^T (y_t - T_t)^2 + \lambda \sum_{t=1}^T [(T_t - T_{t-1}) - (T_{t-1} - T_{t-2})]^2 \right\}$$

مطابق رابطه فوق پارامتر خطی λ فرایند یکنواخت‌سازی جزء روند را کنترل می‌کند. بطوری که با افزایش ضریب خطی، سری مورد مطالعه یکنواخت‌تر می‌شود. ولی مشکل این روش، انتخاب دقیق مقدار λ است. زیرا با انتخاب نادرست مقدار آن، چرخه‌های تجاری به درستی محاسبه نخواهند شد. افزون بر این، جزء چرخه‌ای به صورت تفاضل بین تولید و روند محاسبه می‌شود. همانطور که عنوان شد مشکل اولیه استفاده از این فیلتر، انتخاب مقدار پارامتر λ است. طبق نظر مبتکران آن، مقدار عددی پارامتر λ باید بر اساس اطلاعات گذشته و به وسیله متوسط طول یک دوره کامل تجاری انتخاب شود.^۱ به این ترتیب، در این پژوهش نیز مقدار اولیه λ بر اساس پژوهش‌های انجام شده و متوسط طول دوره محاسبه شده در نظر گرفته می‌شود.

در غالب پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است، متوسط طول یک دوره کامل تجاری بین پنج تا هشت سال محاسبه شده است. برای مثال، ختائی و دانش جعفری (۱۳۸۱) در پژوهش خود متوسط دوره رکود در اقتصاد ایران را ۴۱ ماه و متوسط دوره رونق را ۳۲ ماه محاسبه کرده‌اند که بدین ترتیب، متوسط طول یک دوره کامل تجاری ۶ سال محاسبه می‌شود. در مطالعات دیگر نیز که با روش‌های مختلفی انجام گرفته، تقریباً نتایج مشابهی به دست آمده است. از این رو مقدار اولیه پیشنهادی، به شکلی تعیین می‌شود که متوسط طول دوره را حدود ۶ سال اندازه‌گیری کند. مطالعات وسیعی در مورد خصوصیات آماری فیلتر مذکور انجام شده است. یکی از مهمترین پژوهش‌های انجام گرفته به وسیله مُراوال و همکاران^۲ انجام شد که با استفاده از روش‌های آماری، مقدار عددی متوسط طول دوره مربوط به داده‌های سالانه، ماهانه و فصلی محاسبه شده‌اند. در این پژوهش به منظور تحلیل تغییرات تولید ناخالص داخلی به مقادیر مختلف λ اعداد دیگری نیز انتخاب می‌شوند. با توجه به اینکه مقدار پیشنهادی عددی λ برای داده‌های سالانه در نرم‌افزار اقتصادی Eviews عدد ۱۰۰ است، این عدد به عنوان عدد اولی انتخاب می‌شود و در نهایت، عدد ۴۰۰ نیز به علت استفاده مکرر پژوهشگران به عنوان عدد بعدی در نظر گرفته می‌شود.

1. Hodrik & Prescott, (1980)

2. A. Moravall & etl. (2001)

شناسایی و محاسبه چرخه‌های تجاری ایران

شناخت ماهیت نوسان‌های تولید، رهنمودهای مهمی را در مورد بیان علل رونق و رکود اقتصادی ارائه می‌دهد. طی چهار دهه گذشته، روند تولید ناخالص حقیقی ایران با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده به طوری که عوامل داخلی و خارجی مانند تکانه‌های نفتی، وقوع انقلاب و بروز جنگ نقش قابل توجهی در شکل‌گیری مسیر حرکت آن داشته‌اند. نمودار شماره ۱ روند زمانی تولید ناخالص داخلی حقیقی را طی سالهای ۳۸ - ۱۳۸۰ نشان می‌دهد. بررسی سری زمانی این متغیر بیانگر آن است که در مسیر روند آن دو نقطه شکستگی در سالهای ۵۶ - ۱۳۶۰ در اثر وقوع انقلاب اسلامی و ۶۴ - ۱۳۶۷ در اثر سال‌های پایانی جنگ تحمیلی وجود دارد. در این دو دوره نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی منفی بوده است.



مقدار مثبت نرخ رشد از این جهت مورد توجه است که مطابق با تعریف اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی در امریکا (NBER)^۱، رشد منفی در تولید ناخالص داخلی در حداقل دو فصل متوالی یک دوره رکود است.

1. Notional Bureau of Economic Research

از آنجا که آمارهای فصلی متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی در دسترس نیست، بنابراین رشد منفی یک دوره یکساله به عنوان دوره رکودی در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب، در صورتی که رشد منفی تولید ناخالص داخلی حقیقی نسبت به دوره قبلی کاهش داشته باشد، یک دوره رکود محسوب می‌شود.^۱

با توجه به این تعریف می‌توان گفت که در دو دوره مشخص سطح تولید ناخالص داخلی کاهش داشته است؛ اولین کاهش، در دوره زمانی ۵۶ - ۱۳۶۰ یعنی وقوع انقلاب و شروع جنگ تحمیلی و دومین دوره بین سالهای ۶۴ - ۱۳۶۷ یعنی سالهای پایانی جنگ. باید گفت که این تعریف مشکلات خاص خود را دارد. برای مثال، چنانچه تولید ناخالص داخلی حقیقی کشوری طی سه فصل متوالی دارای متوسط نرخ رشد ۰.۵٪، ۰.۰/۰۰۱٪ و ۰.۶٪- باشد دوره رکودی را به نمایش می‌گذارد اما این تعریف، چنین دوره رکودی را متصور نیست.

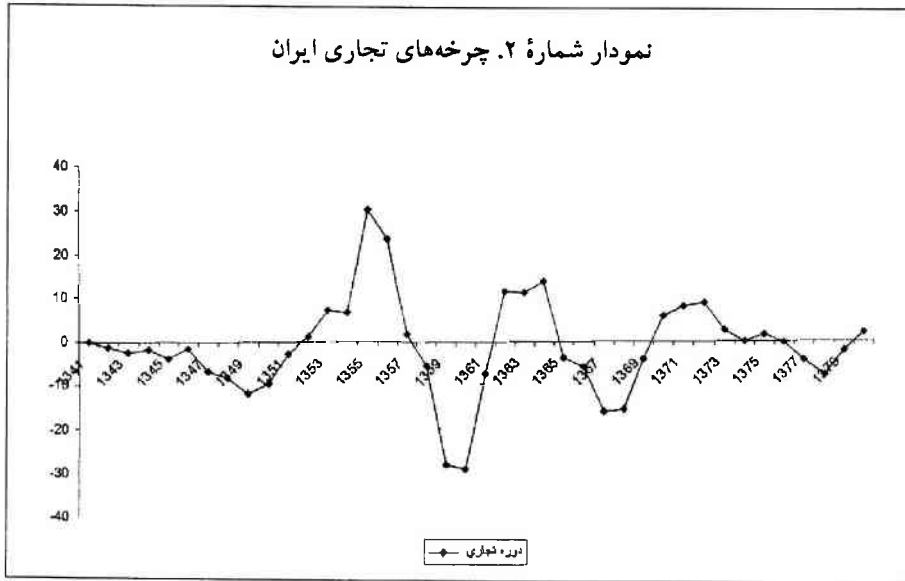
در این مقاله همانطور که در بخش روش شناسی تحقیق گفته شد به قصد تفکیک دو جزء روند و دوران از فیلتر آماری هادریک - پرسکات جهت استخراج اجزای سری زمانی استفاده می‌شود. بدین ترتیب که سری زمانی مورد نظر روند زدایی می‌شود و سپس از تفاوت سری زمانی با جزء روند استخراجی، جزء چرخه‌های تجاری بدست می‌آید، نمودار شماره ۲ بیانگر چرخه‌های تجاری هستند که به وسیله فیلتر هادریک - پرسکات محاسبه شده‌اند.

جهت شناسایی دوره و طول دوره‌ها در چرخه‌های تجاری احتیاج به شناخت نقاط برگشتی^۲ است. در نقاط برگشتی مسیر حرکت در دو طرف نقطه معکوس، یا به عبارتی، نقاط ماکزیمم یا مینیمم نسبی هستند. همانطور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، حداقل شش دوره و حداکثر هفت دوره تجاری قابل شناسایی است که می‌توان آنها را بر اساس نقاط اوج یا نقاط حضيض مشخص کرد.

بر اساس نقاط حضيض، چرخه اول از سالهای قبل از ۱۳۳۸ شروع شده و تا سال ۱۳۴۳ ادامه داشته است. دوره بعدی از سال ۱۳۴۳ شروع شده و در سال ۱۳۴۹ به پایان رسیده است. دوره اقتصادی بعدی، از سال ۱۳۴۹ آغاز و در سال ۱۳۵۴ به پایان رسیده است. دوره‌های بعدی یعنی ۵۴ - ۱۳۶۰ و ۶۰ - ۱۳۶۷ دو دوره‌ای بوده‌اند که در آن اقتصاد ایران بیشترین نوسانات و

۱. جلالی نائینی، احمدرضا؛ بررسی چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

همچنین عمیقترین دوره‌های رکود را پشت سر گذشته است. دوره بعدی، از سال ۱۳۶۷ شروع و تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشته. آخرین دوره نیز از سال ۱۳۷۴ آغاز شده و در سال ۱۳۷۸ خاتمه یافته است و دوره بعدی نیز سالهای ابتدایی خود را می‌گذراند.



در این روش، طول هر دوره از نقطه حسیض به نقطه حسیض بعدی در امتداد روند حرکت بلندمدت تولید به عنوان یک دوره کامل تجاری معرفی شده است. اما اگر چرخه تجاری را بین دو نقطه اوج در نظر بگیریم، شش چرخه تجاری قابل شناسایی است که دوره هفتم آن در مرحله انتهایی است. مطابق نمودار شماره ۲ آنچنان که انتظار می‌رفت، الگوی منظمی از نظر دامنه حرکت و شدت نقاط اوج و حسیض وجود ندارد. برای نمونه دو دوره ۵۴ - ۱۳۶۰ و ۶۰ - ۱۳۶۷ طولانی‌ترین و عمیق‌ترین دوره‌ها را به وجود آورده‌اند. بر اساس جدول شماره ۱ متوسط دوره چرخه‌ای بر اساس فاصله زمانی دو نقطه اوج ۶/۲ سال است و متوسط دوره بین دو نقطه حسیض ۶ سال است که از نظر اوج - اوج، طولانی‌ترین دوره ۹ سال رقم خورده در حالی که کوتاه‌ترین دوره ۴ سال است. طول دوره‌ها از حسیض تا حسیض چندان تفاوتی نمی‌کند طولانی‌ترین دوره ۸ سال و کمترین آن فقط ۴ سال است.

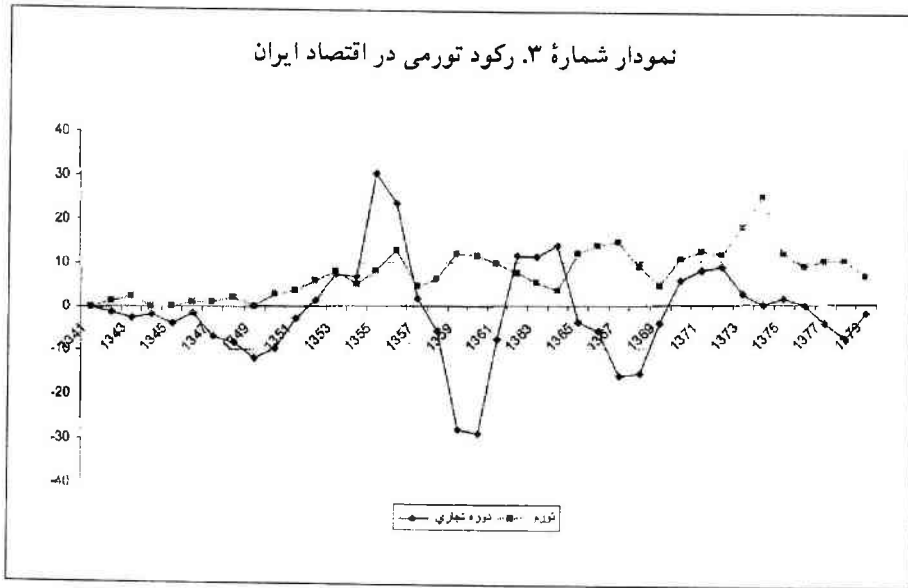
جدول شماره ۱. گسترش و طول چرخه‌های تجاری ایران			
فاصله زمانی بین دو نقطه حسیض (سال)	نقاط حسیض	فاصله زمانی بین دو نقطه اوج (سال)	نقاط اوج
۶	۱۳۴۳	۷	۱۳۳۹
۵	۱۳۴۹	۷	۱۳۴۶
۶	۱۳۵۴	۴	۱۳۵۱
۸	۱۳۵۹	۹	۱۳۵۵
۷	۱۳۶۷	۸	۱۳۶۴
۴	۱۳۷۴	۴	۱۳۷۲
—	۱۳۷۸	—	۱۳۷۶

رکود تورمی در اقتصاد ایران

همانطور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود، در اقتصاد ایران رابطه معکوس بین نرخ تورم و چرخه‌های تجاری در سطح معنی داری وجود دارد. این نتیجه، شبیه محاسبه‌ای است که در بعضی از کشورهای در حال توسعه مانند مکزیک، ترکیه و کاستاریکا نیز مشاهده شده است.

رکود تورمی حالتی از کندروی اقتصادی است که پاره‌ای از آثار تورم اقتصاد را مانند افزایش قیمت کالاها و خدمات به همراه دارد. درحالی که اشتغال نیروی کار کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، دستمزدها به علت مقررات قانونی، بیمه‌های اجتماعی و فشار اتحادیه‌های کارگری در سطح بالا باقی می‌ماند. درحالی که سرمایه‌گذاری در رشته‌های جدید با توقف یا رکود شدید مواجه می‌شود، نرخ بهره و هزینه پول همچنان بالا است، زیرا در جوار بازار مولد، بازار سفته بازی روی پول و کالا بوجود می‌آید و قوت می‌گیرد و همین امر مانع می‌شود که نرخ بهره تنزل یابد.

در حالی که مردم نیازمند کالاهای مصرفی هستند و کالا هم در بازار وجود دارد، معاملات در سطح دلخواه استوار نیست. زیرا گرانی مانع از آن است که مردم بتوانند کالاهای مورد نیاز خود را تهیه کنند. انبارها از کالاها انباشته و کالاها به تدریج ضایع می‌شوند، اما بازار داخلی از جذب آنها عاجز است. بازارهای خارجی نیز به علت گرانی محصول و تنزل کیفیت آن کالا، راغب به خرید آن نیستند.



نمودار شماره ۳ بیانگر این مطلب است که زمانی که اقتصاد ایران وارد مرحله رکود می‌شود، نرخ تورم نیز افزایش یافته است و با توجه به رابطه هم جهت و پیش رو در درآمدهای حاصل از صادرات نفت به نظر می‌رسد که تورم در ایران بیشتر ناشی از انتقال منحنی عرضه کل یا به عبارتی، ناشی از فشار هزینه باشد.^۱ این نتیجه گیری از این جهت مورد توجه است که سیاستگذاران اقتصادی در زمان رکود اقتصادی سیاست‌های صحیحی را اتخاذ کنند. زیرا سیاست‌های انبساطی نادرست موجب تشدید تورم به خصوص در سالهای رکود خواهد شد. همانند انگلستان در ایران نیز چنین اتفاقی در سال ۱۳۷۴ با ابعاد وسیع تری رخ داد. اتخاذ سیاست انبساطی نادرست افزایش حجم پول در سالهای ۷۲ - ۱۳۷۴ موجب پیدایش نرخ تورم ۴۹ درصدی شد که طی سالهای مورد مطالعه بی سابقه است.

یکی از عوامل مؤثر بر هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه که مطابق نتیجه حاصله از عوامل

۱. در خصوص عوامل ایجاد تورم در ایران باید به توزیع نامناسب درآمد و فشار حاصل از کمبود تقاضای مؤثر و بویایی‌های حل نشده تورم که به ساختار اقتصادی و ترتیبات نهادی و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات اشاره دارد نیز توجه کرد.

بروز تورم در ایران است، هزینه‌های حقوق و دستمزد و کسور مربوط به بیمه‌های اجتماعی است. در اقتصادی که با پدیده رکود تورمی مواجه است دقت در تعیین سطح دستمزدها که پایه کسور بیمه‌های اجتماعی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گرچه تعیین میزان سهم هزینه‌های کسور تأمین اجتماعی در تابع هزینه بخش‌های مختلف، نیاز به مطالعه‌ای گسترده داشته که از حوصله این مقاله خارج است. بر اساس مطالعات انجام شده در ایران^۱ راههای مقابله با پدیده رکود تورمی در محدود کردن فعالیتهای اقتصادی دولت، تزریق پول به صنایع و بکارگیری نیروهای جدید علیرغم ایجاد تورم و سرمایه‌گذاری بر صنایع کارطلب، جذب سرمایه‌های خارجی، توسعه صادرات غیر نفتی، توجه به صنایع کوچک، اتمام طرح‌های نیمه تمام عمرانی و اجرای مدیریت کیفیت، دیده شده است.

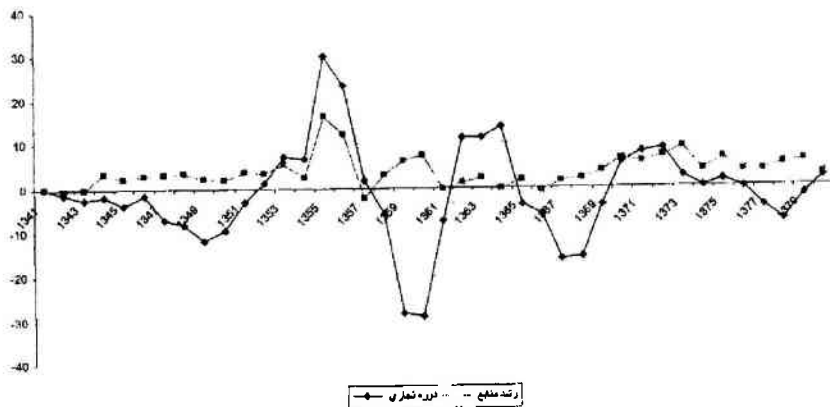
چرخه‌های تجاری و دوره‌های درامدی سازمان تأمین اجتماعی

مطابق قانون، منابع درامدی سازمان تأمین اجتماعی شامل، درآمد حاصل از دریافت حق بیمه، درآمد حاصل از وجوه و ذخایر، وجوه حاصل از دریافت خسارات و جرایم و کمک‌ها و هدایا می‌شود. درآمدهای حاصل از دریافت حق بیمه در حدود ۸۵ درصد از درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در این بخش از مقاله به بررسی تطبیقی درآمدهای حاصل از حق بیمه با چرخه‌های تجاری کشور در دوره زمانی ۴۱ - ۱۳۸۰ پرداخته می‌شود. همانطور که در نمودار شماره ۴ مشاهده می‌شود در دوره مورد مطالعه به دلیل وجود پدیده رکود تورمی در کشور و افزایش حداقل دستمزدها با توجه به نرخ تورم و بیشتر از آن، شاهد عدم انطباق رشد منابع حاصل از حق بیمه با وضعیت اقتصادی کشور در برخی از سالها مانند دوره‌های زمانی ۵۸ - ۱۳۶۰، ۶۷ - ۱۳۶۹ و ۷۷ - ۱۳۷۹ هستیم.

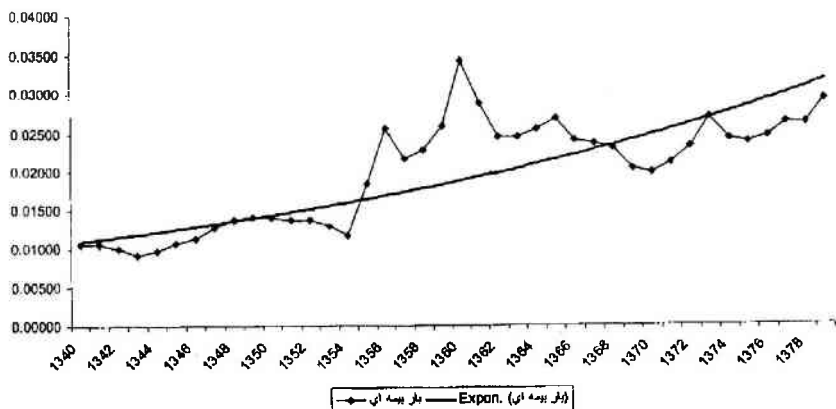
لازم به ذکر است که عمده درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی حاصل از حق بیمه‌های دریافتی از تولید گروه‌های اقتصادی صنایع و معادن و خدمات است. زمانی که اقتصاد وارد مرحله رکودی می‌شود ارزش افزوده این بخش‌ها کاهش یافته و با توجه به رشد منابع بیمه‌ای

۱. حبیب چینی، رکود تورمی و راههای مقابله با آن، مجموعه مقالات نهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۷۹.

نمودار شماره ۴. چرخه‌های تجاری و نرخ رشد درآمدهای بیمه‌ای سازمان



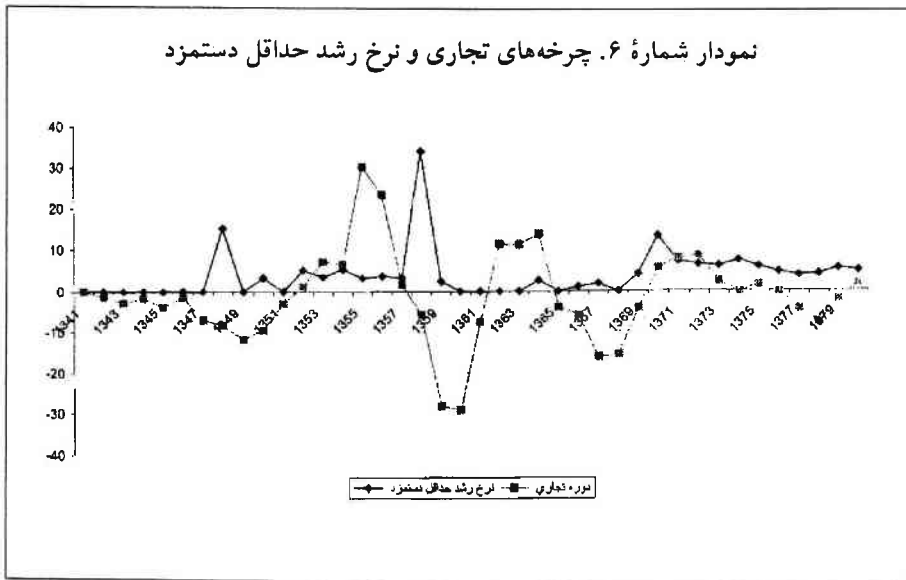
نمودار شماره ۵. بار بیمه‌ای



به واسطهٔ تعدیل با نرخ تورم، بار بیمه‌های اجتماعی (نسبت منابع حاصل از حق بیمه به تولید بخش صنایع و خدمات) افزایش می‌یابد. این امر در نهایت موجب گسترش فرار بیمه‌ای و عدم اعتماد به مکانیزم عملکردی نظام تأمین اجتماعی می‌شود، همانطور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌شود بار بیمه‌ای در طول دورهٔ مورد مطالعه همواره روندی صعودی را پیموده است.

درآمدهای حاصل از حق بیمه تابعی از نرخ حق بیمه، تعداد بیمه‌شدگان و حداقل دستمزدهاست که در دورهٔ مورد مطالعه، هر یک از سه متغیر ذکر شده دارای تغییرات و نوسانات متعددی بوده‌اند ولی آنچه در این مطالعه بر آن تأکید می‌شود، روند افزایش حداقل دستمزدها است.

نمودار شماره ۶ بیانگر رابطهٔ نرخ رشد حداقل دستمزد و چرخه‌های تجاری است، در سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۵۸ و ۱۳۷۰ حداقل دستمزدها به ترتیب دارای رشد ۲۶، ۱۷۰ و ۶۶/۷ درصدی بوده است، این در حالی است که نرخ تورم در این سالها به ترتیب ۱۰، ۱۲ و ۲۰/۷ درصد رقم خورده است.



در سالهای مورد مطالعه (۴۱ - ۱۳۸۰)، نرخ تورم بطور میانگین ۱۴/۵ درصد و نرخ رشد حداقل دستمزدها ۱۹/۲ درصد است، به عبارتی نرخ رشد حداقل دستمزدها از تورم بالاتر بوده و این موضوع به واسطه وجود رکود تورمی در کشور موجب افزایش بار بیمه‌ای شده است. بطور مثال در سال ۱۳۵۸ اقتصاد به دلیل بروز انقلاب با وضعیت رکودی مواجه بوده ولی به واسطه تقدم تصمیمات سیاسی بر تصمیمات اقتصادی شاهد رشد ۱۷۰ درصدی حداقل دستمزدها هستیم.

از سال ۱۳۷۶ سازمان تأمین اجتماعی جهت جلوگیری از فرار بیمه‌ای و افزایش منابع درآمدی خود، به اعمال دستمزدهای مقطوع اقدام کرد. همانطور که گفته شد افزایش دستمزد پایه کسور حق بیمه در شرایط رکودی موجب افزایش فرار بیمه‌ای خواهد شد. پیشنهاد می‌شود در تعیین دستمزدهای مقطوع به شرایط اقتصادی کشور و بازدهی بخش‌های مختلف اقتصادی توجه شود، این امر در بلندمدت پایداری بیشتر صندوق را فراهم می‌آورد. گرچه می‌توان رشد بار بیمه‌ای و عدم انطباق رشد منابع حاصل از حق بیمه با شرایط رکودی را به دلیل انعطاف‌پذیری اندک قانون کار دانست^۱ ولی با تأسیس صندوق بیمه بیکاری نیز این عدم انطباق همچنان در سالهای بعدی (۷۷ - ۱۳۷۹) دیده می‌شود.

چرخه‌های تجاری و صندوق بیمه بیکاری

بیمه بیکاری یکی از مترقی‌ترین انواع بیمه‌های اجتماعی است که در نظام تأمین اجتماعی طراحی شده است. آنچه مسلم است برخلاف سایر مخاطرات مربوط به شاخه‌های تأمین اجتماعی که محیطی هستند، بیکاری یک خطر اقتصادی محسوب می‌شود. تاریخچه حمایت‌های بیمه بیکاری در ایران به سال ۱۳۲۵ و ایجاد صندوق تعاون که به منظور حمایت‌های ازدواج، عائله‌مندی، بیکاری و ... تأسیس شد برمی‌گردد. پس از

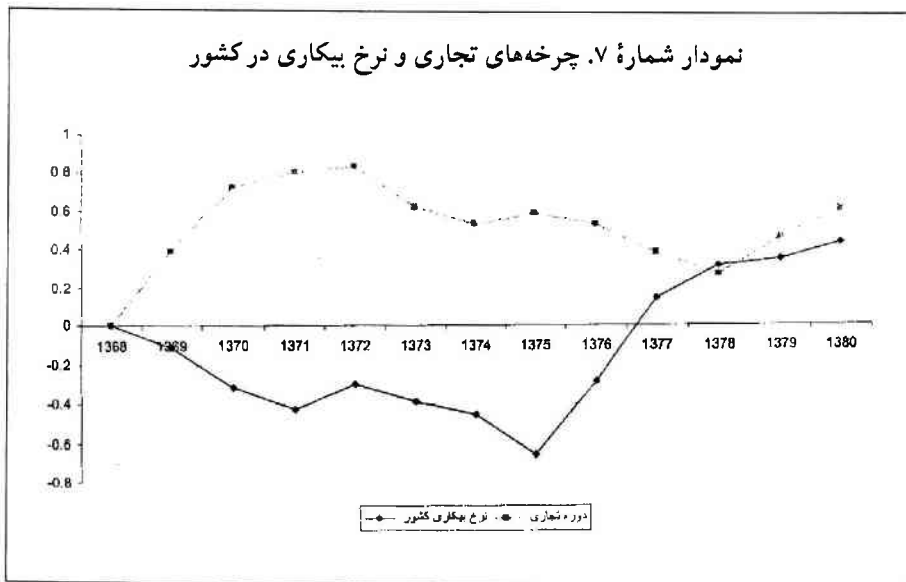
۱. اصولاً از دیدگاه کلاسیک‌ها، مقررات تأمین اجتماعی نقشی در عرضه و تقاضای نیروی کار و دستمزدها ندارد، در حالی که در اقتصاد جدید، خاصه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، مقررات تأمین اجتماعی و کار نقش مهمی در عرضه و تقاضای نیروی کار ایفا می‌کند. این مقررات به کارگران اطمینان می‌دهد که در صورت اخراج از کار بدون درآمد نخواهند بود. این اطمینان قدرت چانه‌زنی آنها را افزایش می‌دهد و بر ایستادگی آنها در برابر تصمیمات مربوط به اخراج از کار یا کاستن از دستمزدها در شرایط بحران، می‌افزاید. به این ترتیب تصمیمات سیاسی، یا لاقط تصمیمات خارج از حیطه عمل عرضه و تقاضای نیروی کار، وارد محاسبات عرضه و تقاضا می‌شود.

مسکوت ماندن بیمه بیکاری در قانون مصوب سال ۱۳۵۴ تأمین اجتماعی، بالأخره در سال ۱۳۶۶ با رشد بیکاران ناشی از تعطیلی واحدها، مشکلات ناشی از جنگ و رکود حاکم بر اقتصاد کشور و ... حمایت از بیکاران جزو دغدغه‌های مسئولان قرار گرفت و قانون بیمه بیکاری برای مدت سه سال به صورت آزمایشی به اجرا درآمد و در سال ۱۳۶۹ قانون دائمی با اصلاحاتی به تصویب رسید و بیمه بیکاری به عنوان یکی دیگر از حمایت‌های تأمین اجتماعی - علاوه بر حمایت‌های موضوع ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی - شناخته شد.

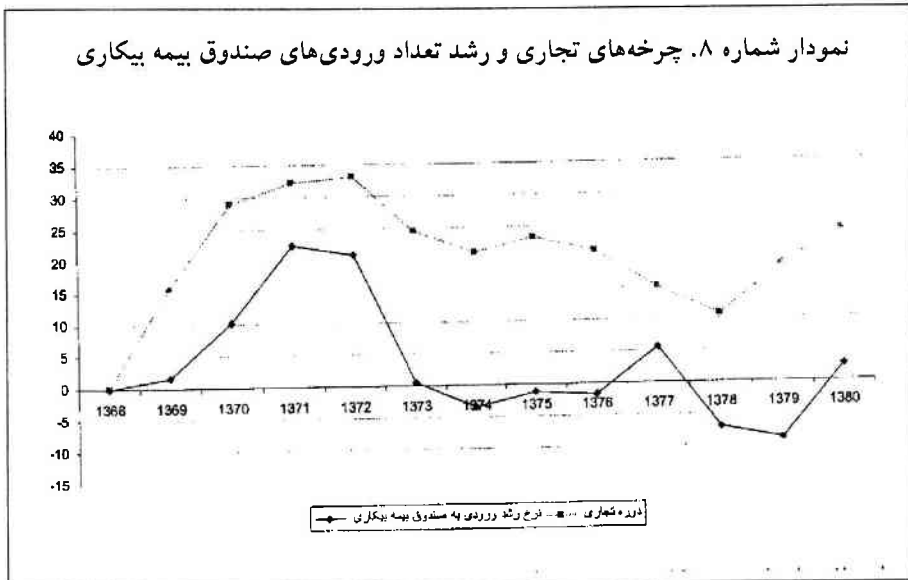
اصولاً بیکاری در سطح کلان دارای انواع مختلف بوده که عمده‌ترین آنها عبارتند از بیکاری ناشی از تغییرات و تحولات دینامیک در سطح تولید (تکامل تدریجی صنعت)، بیکاری ساختاری، بیکاری ناشی از بحران‌های اقتصادی بین‌المللی، بیکاری پنهان (اشتغال زیرزمینی)، بیکاری فصلی و بالأخره بیکاری ناشی از رکود اقتصادی کوتاه و بلندمدت در سطح خرد و کلان (چرخه‌های تجاری). بدیهی است که با توجه به نوع، کیفیت و دلایل و عوامل متفاوت ایجادکننده عدم اشتغال، مبارزه هدفمند و مؤثر با آن مستلزم سیاست‌ها و اقدامات خاص و جداگانه ویژه خود است.

در قانون بیمه بیکاری ایران هدف از تأسیس آن، حمایت از بیمه شده‌ای که بدون میل و اراده بیکار شده است، ارتقای سطح مهارت و آماده کردن بیمه شده بیکار جهت دستیابی به وضعیت مناسب و در نهایت رفع مشکل و بحران موقتی از کارفرمایان و در نتیجه فراهم کردن فرصت برای ایشان به منظور بازسازی اقتصادی و سروسامان دادن به مشکلات مالی جهت حفظ بنیه اقتصادی و پابرجایی کارگاه ذکر شده است، مورد اخیر دقیقاً به دوره‌های رکودی و رونق پیش آمده در سطح اقتصاد اشاره دارد.

نمودار شماره ۷ نشان‌دهنده رابطه میان چرخه‌های تجاری و نرخ بیکاری است، همانطور که مشاهده می‌شود در دوره‌های رکود اقتصادی، نرخ بیکاری افزایش می‌یابد و لذا ورودی‌های صندوق بیمه بیکاری در دوران رکود اقتصادی با افزایش مواجه می‌شود. اما با بررسی رابطه میان نرخ رشد ورودی‌های صندوق بیمه بیکاری با چرخه‌های تجاری کشور چنین مشاهده می‌شود (نمودار شماره ۸)، که به دلیل استفاده نادرست از این صندوق، صندوق بیمه بیکاری کارکرد مناسبی در جهت پوشش دوره‌های رکودی ایفا نکرده و در نتیجه هدف سومی که برای آن در نظر گرفته شده به خوبی تحقق نیافته است.



از جمله دلایل بروز این حالت را می‌توان در استفاده از صندوق جهت حل مشکل خصوصی سازی، نوسازی صنایع، بازسازی صنایع نساجی و نوع نگرش نسبت به بیکاران فصلی و دوگانگی موجود در مدیریت صندوق میان سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار و امور اجتماعی دانست. اصولاً در ادبیات بیمه بیکاری توصیه می‌شود که مدیران و سیاستگذاران صندوق بیمه بیکاری می‌بایست چرخه‌های تجاری را پیش‌بینی کرده و منابع صندوق را جهت پوشش دوره رکودی تنظیم کنند. میزان نرخ حق بیمه بیکاری می‌بایست طوری محاسبه و تعیین شود که صندوق بیمه‌ای مزبور دارای اندوخته کافی برای جبران تعهدات مربوطه با توجه به چرخه‌های تجاری و نوسانات دوره‌ای سطح اشتغال در مقاطع مختلف بوده و نیازی به تغییر دائمی نرخ حق بیمه متعلقه نباشد. لذا توصیه می‌شود اندوخته‌های مازاد صندوق‌های بیمه بیکاری در دوران رونق اقتصادی به صورت مطلوب و با بازده مناسب با توجه به شرایط بازارهای مالی (پول و سرمایه) در کشور سرمایه‌گذاری شده تا صندوق در دوران رکود بازار اشتغال و افزایش تعداد بیکاران از قدرت و توان مالی قابل ملاحظه‌ای برخوردار شود. بدیهی است نقدینگی سریع منابع مزبور از اولویت خاصی برخوردار است.



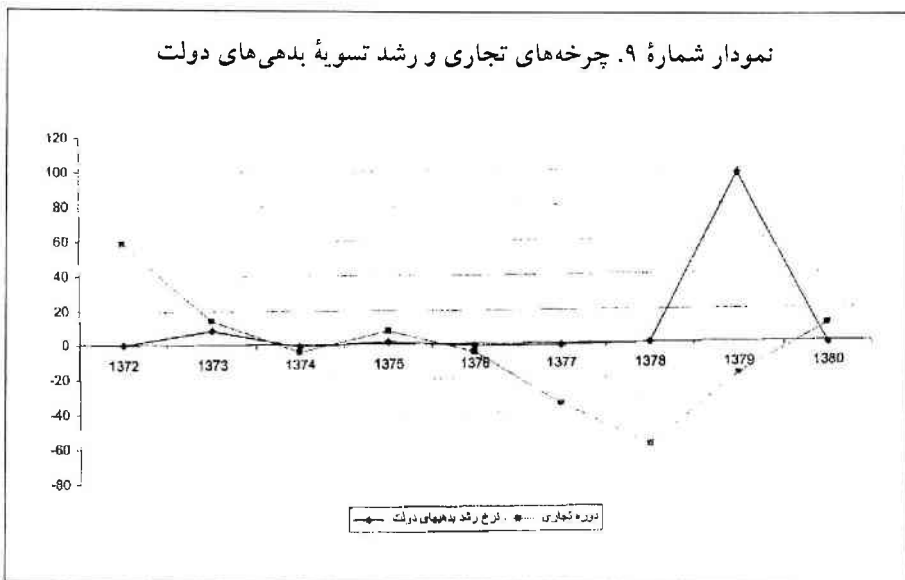
عدم توجه به چرخه‌های تجاری و استفاده از صندوق بیمه بیکاری بعنوان یک ابزار تثبیت‌کننده در سطح اقتصاد کلان باعث ضعف در کارایی و عملکرد صندوق بیمه بیکاری و پیشی‌گرفتن مصارف بر منابع آن شده است. مطابق قانون در صورت بروز کسری در صندوق بیمه بیکاری دولت موظف به تأمین کسری صندوق است.

چرخه‌های تجاری و بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی

بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی یکی از مباحث مورد جدل در اجرا و سیاستگذاری در سال‌های اخیر بوده است. تا پایان سال ۱۳۸۳ ارزش روز کل بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی در حدود ۴۳۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود. تسویه عمده این بدهی‌ها در قالب خصوصی‌سازی و به صورت واگذاری کارخانجات و شرکت‌های تولیدی عمدتاً ورشکسته، به صندوق‌های مذکور صورت گرفته است. این امر علاوه بر اینکه به شائبه پولدار بودن و انحصاری عمل کردن سازمان خصوصاً در بازارهای مالی کشور دامن می‌زند، هزینه اصلاح و بهسازی صنایع مذکور را نیز برعهده سازمان گذاشته است. مطابق

قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، دولت بایستی بدهی‌های خود به صندوق‌های بازنشستگی را به ارزش روز و با نرخ اوراق مشارکت تسویه کند.

زمان صحیح چانه‌زنی جهت دریافت مطالبات از دولت، به مدیران سازمان در اتخاذ موضعی فعال کمک می‌کند تا به نحوی مطلوب از حقوق بیمه‌شدگان خود دفاع کنند. گرچه همچنان که در نمودار شماره ۹ مشاهده می‌شود پرداخت بدهی‌ها توسط دولت تابعی از چرخه‌های تجاری نبوده و بیشتر از عوامل سیاسی تبعیت می‌کرده است. اما در شرایط رکودی اصولاً چانه‌زنی درخصوص تهاتر بدهی‌ها توصیه نمی‌شود. سیاست‌گذاران و مدیران صندوق‌های بیمه‌ای با پیش بینی شرایط رکودی و رونق اقتصاد ملی می‌توانند سیاست‌ها و برنامه‌های خود را در برخورد با دولت مشخص کنند.



چرخه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی

مطابق مواد ۵۲ و ۵۳ قانون تأمین اجتماعی، سازمان ملزم به سرمایه‌گذاری مازاد منابع و مصارف خود است. رسالت سازمان تأمین اجتماعی در زمینه سرمایه‌گذاری، حفظ و ارتقای ذخایر بیمه‌شدگان سازمان است. اصولاً موفقیت صندوق تأمین اجتماعی در بلندمدت

وابستگی زیادی به طراحی مناسب یک سیاست صحیح سرمایه‌گذاری دارد و سیاست سرمایه‌گذاری منعکس‌کننده فلسفه سرمایه‌گذاری، طرح راهبردی بلندمدت و مدیریت دارایی‌های صندوق است.

بروز برخی از مشکلات درون و برون سازمانی از قبیل، حجم کم بازارهای مالی کشور، عدم ثبات قوانین و مقررات و تقدم نگاه سیاسی بر منافع اقتصادی، ضعف در نظارت و کنترل منابع سرمایه‌گذاری شده و بالاخره فقدان تحلیل کمی و ضعف تحلیل راهبردی از نحوه تخصیص منابع مازاد و اولویت آنها باعث شده که سازمان در بهینه‌سازی بدره (پرتفوی)^۱ خود با مشکلاتی مواجه شود.

بخش سرمایه‌گذاری در طول بیش از نیم قرن فعالیت سازمان تأمین اجتماعی تغییر و تحولات زیادی را تجربه کرده که عمدتاً متأثر از شرایط محیطی حاکم بر فضای اقتصادی کشور بوده است.^۲ لذا شناخت محیط کلان اقتصادی و توجه به دوره‌های رکودی و رونق اقتصاد کشور به مسئولان حوزه اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی در خصوص برنامه‌ریزی در امر سرمایه‌گذاری کمک شایانی می‌کند.

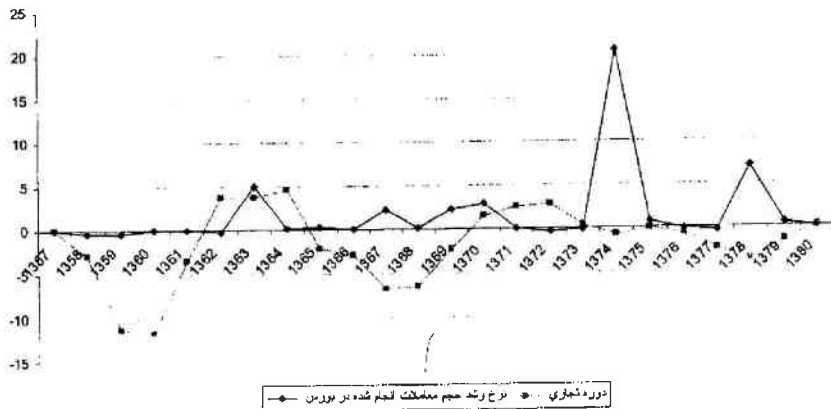
معمولاً توصیه می‌شود که در دوران رکودی می‌بایست مصارف سرمایه‌گذاری افزایش یافته و در دوران رونق از ارزش افزوده ایجاد شده استفاده کرد و نسبت به فروش و استفاده از بازدهی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده مبادرت ورزید. نمودار شماره ۱۰ ارتباط میان چرخه‌های تجاری کشور و حجم معاملات انجام شده در بورس را به نمایش می‌گذارد و نمودار شماره ۱۱ بیانگر ارتباط مصارف سرمایه‌گذاری سازمان با چرخه‌های تجاری کشور است.

نمودار شماره ۱۰ نشانگر رشد چشمگیر حجم معاملات بورس در سال‌های رکودی ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ است. همانطور که گفته شد عدم تعادل در سرمایه‌گذاری - پس‌انداز، یکی از دلایل ایجاد چرخه‌های تجاری در اقتصاد به شمار می‌رود. نتایج مطالعه نیلی و درگاهی (۱۳۷۷) نیز یکی از راهبردهای کنترل نوسانات و ایجاد رشد بالای اقتصادی در ایران راه، تجهیز پس‌انداز ملی از طریق توسعه مشارکت بخش خصوصی برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری عنوان کرده است.

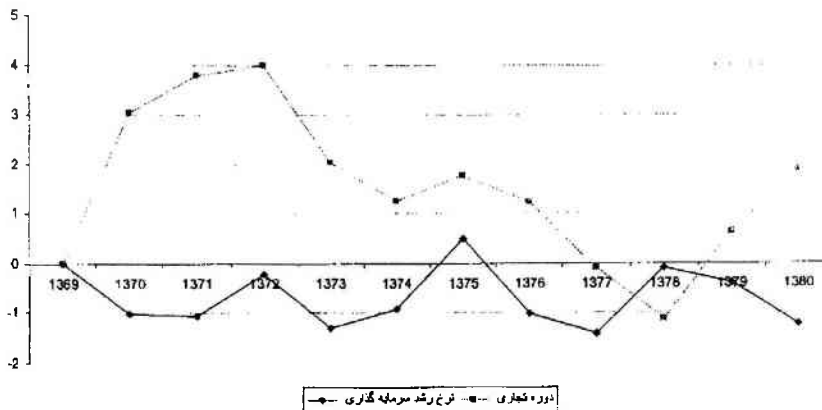
1. portfolio

۲. نیکوپور، حسام؛ مووی بر تاریخچه سرمایه‌گذاری در سازمان تأمین اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۸۲.

نمودار شماره ۱۰. چرخه‌های تجاری و رشد معاملات انجام شده در بورس



نمودار شماره ۱۱. چرخه‌های تجاری و رشد مصارف سرمایه‌گذاری



لذا سازمان تأمین اجتماعی به عنوان نهادی که بر مبنای فلسفه وجودی خود - که همانا ارائه کالای تأمین بر اساس انباشت پس اندازهای افراد است - می‌تواند با استفاده از ذخایر بالقوه خویش نقش آفرین عمده‌ای در بازارهای مالی و کنترل آثار مخرب نوسانات اقتصادی باشد.

خسارات و جرایم و چرخه‌های تجاری

مطابق ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در قانون، یکی از منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی محسوب می‌شود. ارتباط درآمدهای حاصل از خسارات و جرایم و چرخه‌های تجاری از دو بعد تعدیل نرخ جرایم و بخشودگی آنها قابل بررسی است.

در شرایطی که اقتصاد کشور برای سال‌های متمادی دارای تورم بالا باشد باید نسبت به تعدیل نرخ جرایم اقدام کرد ولی جرایم سنگین، کارگران و کارفرمایانی را که در گذشته اقدام به فرار بیمه‌ای می‌کرده‌اند تشویق می‌کند تا به فرار بیمه‌ای ادامه دهند تا از پرداخت جریمه سنگین رهایی یابند.

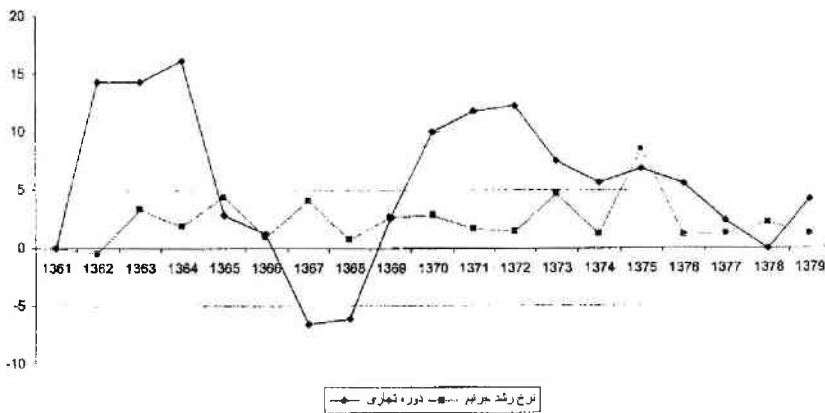
لذا در برخی موارد توصیه شده است که نرخ جرایم بجای شاخص تورم، با شاخص نرخ بهره بانکی تعدیل شود. اما مورد اخیر چون در ایران توسط بانک مرکزی و بصورت دستوری ثابت نگه داشته شده است پیشنهاد نمی‌شود. در این رابطه توجه به چرخه‌های تجاری و دوران رونق و رکود اقتصادی در جهت تعدیل نرخ جرایم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعدیل نرخ جرایم با استفاده از نرخ بازدهی بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله شاخص‌های مناسب و منعطف با شرایط اقتصادی صورت می‌پذیرد. در خصوص صنایع و مشاغل کاربر نیز شاخص بهره وری نیروی کار پیشنهاد می‌شود.

بخشودگی جرایم و خسارات، جزء دیگر قابل مطالعه در ارتباط با چرخه‌های تجاری است. اصولاً اعتقاد بر این است که بخشودگی‌های دوره‌ای ممکن است باعث تشویق به فرار بیمه‌ای شود، زیرا انتظار دوره‌های آینده بخشودگی، هزینه انتظاری قانون‌گریزی را کاهش می‌دهد. بخشودگی جرایم در دوران رونق اقتصادی موجب وصول مطالبات معوق سازمان‌های بیمه‌گر می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود که اولاً بخشودگی در دوران رونق اقتصادی صورت پذیرد و دوم اینکه این بخشودگی‌ها بصورت دوره‌ای اعمال نشود.

اعطای امتیازات ویژه جهت تشویق کارفرمایانی که در دوران رکود اقتصادی نسبت به پرداخت حق بیمه کارگران خود اقدام می‌کنند از دیگر سیاست‌های قابل اعمال تلقی می‌شود. نمودار شماره ۱۲ بیانگر ارتباط نرخ رشد منابع حاصل از خسارات و جرایم سازمان با دوره‌های تجاری طی سالهای ۶۱ - ۱۳۸۰ است. چنانچه در نمودار مشاهده می‌شود در بین سالهای ۶۱ - ۱۳۷۲ به دلیل لغو قانون جرایم به واسطه اشکالات شرعی وارد بر آن، نوسانات عمدتاً مربوط به خسارات بوده است. از مهر ماه ۱۳۷۳ با تصویب قانون جرایم در مجلس، اینگونه درآمدهای سازمان وارد مرحله تازه‌ای می‌شود و به همین دلیل شاهد شکست نمودار در سال ۱۳۷۳ هستیم ولی بدلیل اعمال بخشودگی جرایم (در دو مرحله ۱۳۷۴/۵/۹ و تمدید تا ۱۳۷۵/۵/۹)، این جرایم در سال ۱۳۷۵ انباشته شده و در همین سال شاهد شکست دیگری در نمودار هستیم.

همانطور که مشاهده می‌شود بخشودگی‌های اعمال شده در ابتدای یک دوره رونق اقتصادی تحقق یافته که با مبانی گفته شده همخوانی داشته است ولی در کل، یک نگاه سیاسی بر سیاستگذاری سازمان در خصوص جرایم و بخشودگی‌ها حاکم بوده است تا یک نگاه اقتصادی.

نمودار شماره ۱۲. چرخه‌های تجاری و نرخ رشد درآمدهای حاصل از خسارات و جرایم



چرخه‌های تجاری و بیمه حرف و مشاغل آزاد و اختیاری

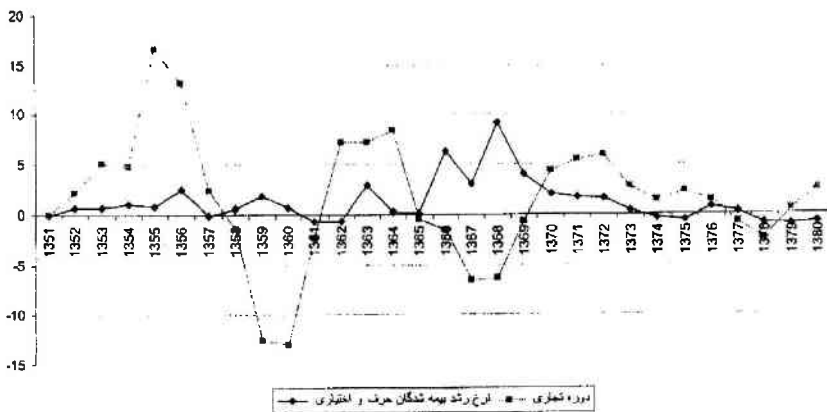
با گسترش مشاغل غیررسمی و تغییر ترکیب مشاغل به سمت خود اشتغالی و گسترش صنایع کوچک، سازمان‌های بیمه‌گر جهت پایداری صندوق خود و گسترش حمایت‌های بیمه‌ای به سوی ایجاد و گسترش بیمه‌های اختیاری متمایل شده‌اند. در ایران نیز اولین قدم‌ها در خصوص اینگونه بیمه‌شدگان از سال ۱۳۴۱ و با تصویب آئین‌نامه بیمه اختیاری بازنشستگی و فوت، برداشته شد. پس از آن در سال ۱۳۴۵ آئین‌نامه استفاده اختیاری از بیمه بازنشستگی و فوت به تصویب رسید و مقرر شد که مستخدمین خانه‌ها و دفاتر کار اشخاص در صورت توافق و تقاضای کارفرما و کارگر و همچنین پیشه‌وران و صاحبان حرف و مشاغل آزاد و نیز کارمندان دستگاه‌های غیردولتی و سایر کارگرانی که مشمول مقررات بیمه یا بیمه کامل قرار نگرفته‌اند، با پرداخت معادل ۹ درصد درآمد مقطوع طبقه مربوط به سازمان بیمه‌های اجتماعی، از بیمه بازنشستگی و فوت استفاده کنند. این اقدام در راستای آئین‌نامه قبلی که بیمه‌شدگان اختیاری را تحت پوشش حمایت‌های صندوق قرار می‌داد، موجب گسترش پوشش بیمه‌ای به صاحبان حرف و مشاغل آزاد و سایر ارگان‌های غیردولتی می‌شد.

در سال ۱۳۵۶ با تصویب آئین‌نامه تعیین حق بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد، میزان حق بیمه به مآخذ ۳۰ درصد درآمد مقطوع هر طبقه یا حرفه تعیین شد. با تصویب این آئین‌نامه مطابق نمودار شماره ۱۳ شاهد افزایش تعداد بیمه‌شدگان حرف و مشاغل آزاد در سال ۱۳۵۶ هستیم. این افزایش تعداد با توجه به افزایش نرخ بیمه بدلیل بهره‌مندی از حمایت‌های درمانی و وضعیت رونق اقتصادی حاکم بر فضای اقتصاد کشور بوده است. به عبارتی سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی جهت تغییرات نرخ حق بیمه و تشویق صاحبان حرف و مشاغل آزاد و اختیاری به بیمه‌پردازی در صندوق خود، می‌بایست به چرخه‌های رونق و رکود اقتصادی توجه کرده و در دوره‌های رونق زمینه جذب هرچه بیشتر آنها را فراهم کنند.

در سال ۱۳۶۶ با تصویب آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مقرر شد کلیه افرادی که بکار اشتغال داشته و مشمول مقررات حمایتی خاصی نبوده‌اند و سایر اتباع ایرانی اعم از شاغل و یا غیر شاغل در فعالیت‌های مختلف در خارج از کشور تحت عنوان بیمه‌شدگان صاحبان حرف و مشاغل آزاد قرار گیرند و با پرداخت ۱۲ درصد (مشمول دریافت مستمری بازنشستگی و فوت و ازکارافتادگی) از حمایت‌های سازمان بهره‌مند

شوند. ضمن اینکه اینگونه بیمه‌شدگان در صورت تمایل، با پرداخت حق بیمه‌ای به مأخذ ۹ درصد حق بیمه مشخص شده در ماده ۲۹ قانون، از حمایت‌های حوادث، بیماری‌ها و بارداری برخوردار می‌شدند.

نمودار شماره ۱۳. چرخه‌های تجاری و رشد تعداد بیمه‌شدگان حرف و اختیاری



با تصویب این آئین‌نامه در سال ۱۳۶۶ همچنانکه در نمودار شماره ۱۳ مشاهده می‌شود سازمان با افزایش نرخ تعداد ورودی‌ها به صندوق مواجه بوده است. این در حالی است که در این سال‌ها اقتصاد دوره رکودی را طی می‌کرده است. در سال ۱۳۶۸ با اتمام جنگ و وضعیت رونق اقتصادی نرخ رشد تعداد ورودی‌های بیمه‌شدگان حرف و مشاغل آزاد افزایش چشمگیری داشته است. در سال ۱۳۸۰ نیز اصلاحاتی در آئین‌نامه بیمه اختیاری صورت گرفت که حسب این تغییرات به منظور بهره‌مندی از مزایای بیمه بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی، نرخ حق بیمه بطور ثابت به ۲۱ درصد افزایش یافت ضمن اینکه دستمزد مبنای کسر حق بیمه بطور مقطوع معادل ۳/۱ برابر حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار تعیین شد. این امر در کنار افزایش پلکانی سابقه بیمه شده جهت استحقاق بازنشستگی (۲۰ سال تا سال ۱۳۹۰)، موجب کاهش تعداد اینگونه بیمه‌شدگان در سال‌های پایانی دوره مورد مطالعه بوده است.

جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات

در این مقاله سعی شد تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و ادبیات چرخه‌های تجاری، برخی از متغیرهای سازمان تأمین اجتماعی در دوره زمانی ۴۰ - ۱۳۸۰ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و پیشنهاداتی در خصوص نحوه سیاستگذاری مسئولان و تصمیم‌گیران سازمان ارائه شود. آنچه به عنوان نتیجه می‌توان از آموخته‌های این گزارش ارائه کرد به شرح ذیل و به‌طور خلاصه طرح می‌شود:

- چرخه‌های تجاری ایران در طول دوره زمانی ۴۰ - ۱۳۸۰ با استفاده از فیلتر هادریک - پرسکات محاسبه شد. نتایج بیانگر این است که چرخه‌های تجاری در ایران به‌طور نسبتاً منظم و با قاعده شکل می‌گیرند و اقتصاد ایران هشتمین چرخه تجاری خود را آغاز کرده است، بنابراین سیاستگذاران اقتصادی کشور می‌توانند به کمک ابزارهای سیاستی بر چگونگی روند حرکت این چرخه‌ها تأثیرگذار باشند؛
- در اقتصاد ایران به‌طور متوسط هر شش سال یکبار چرخه تجاری کامل شامل دوره‌های رکود و رونق اقتصادی اتفاق می‌افتد، چنین یافته‌ای می‌تواند در طراحی استراتژی‌های بلندمدت و برنامه‌های سازمان و همچنین تطابق سیاست‌های هیئت مدیره با چرخه‌های تجاری مورد توجه قرار گیرد؛
- رابطه معکوس میان نرخ تورم و چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران در این گزارش به اثبات رسید. به عبارتی اقتصاد ایران دارای شرایط رکود تورمی است. تعدیل دستمزدها با استفاده از نرخ تورم در شرایط رکود تورمی موجب کاهش منابع صندوق تأمین اجتماعی در بلندمدت خواهد شد. لذا اعمال نفوذ بیشتر در تعیین حداقل دستمزد و توجه به شرایط رکودی و تورمی در تعیین دستمزدهای مقطوع پیشنهاد می‌شود؛
- شرایط رکود تورمی و تعدیل حداقل دستمزد با استفاده از تورم موجب افزایش بار بیمه‌ای شده و گسترش فرار بیمه‌ای و کاهش منابع صندوق را به دنبال دارد. لذا پیشنهاد می‌شود جهت پایداری صندوق، هماهنگی بیشتری میان سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های تأمین اجتماعی به وجود آید؛
- توجه به عمق رکود و طول دوره رکودی یا رونق اقتصادی جهت مدیریت صندوق بیمه

بیکاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ولی به دلیل دیدگاه سیاسی حاکم بر آن، صندوق موفق به اعمال مدیریت اقتصادی بر اساس چرخه‌های تجاری نشده است؛

- مطالعات بیانگر این است که عدم تعادل میان پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری از عوامل ایجادکننده چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران است. راه حل پیشنهادی، تجهیز پس‌انداز ملی از طریق توسعه مشارکت بخش غیر دولتی برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری عنوان شده است. لذا سازمان تأمین اجتماعی به عنوان نهادی که بر مبنای فلسفه وجودی‌اش که همانا ارائه کالای تأمین بر اساس انباشت پس‌اندازهای افراد است، می‌تواند با استفاده از ذخایر بالقوه خود، نقش آفرین عمده‌ای در بازارهای مالی و کنترل‌کننده آثار مخرب نوسانات اقتصادی باشد؛

- در این مقاله مصارف سرمایه‌گذاری سازمان، چرخه‌های تجاری و حجم معاملات بورس اوراق بهادار با یکدیگر مطابقت داده شدند. نتایج بدست آمده می‌تواند راهنمایی باشد در جهت زمان انجام سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم. البته توجه به نوسانات و دوره‌های رکود و رونق بخش‌های مختلف اقتصادی (مسکن، صنایع و ...)، بایستی مد نظر تصمیم‌گیران و سیاستگذاران اقتصادی سازمان قرار گیرد. اصولاً توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها در زمان رکود اقتصادی صورت پذیرد؛

- نحوه تسویه بدهی‌های دولت با سازمان تأمین اجتماعی و برخورد فعال سازمان با دولت منوط به شرایط اقتصادی و دوره‌های رکود و رونق اقتصادی است. در سال‌های رونق اقتصادی سازمان می‌بایست نسبت به وصول مطالبات خود از دولت یا فشاری کند و در دوران رکود این خواسته‌ها را کمتر پی گیرد. در مطالعه انجام شده نشان داده شد که پرداخت بدهی‌های دولت بیشتر به شرایط سیاسی وابسته بوده است تا شرایط اقتصادی؛

- در این مقاله روند درآمدهای حاصل از خسارات و جرایم مرتبط با چرخه‌های تجاری مورد بررسی قرار گرفت و پیشنهاد شد که جهت وصول اصل مطالبات معوق در دوران رونق، سازمان نسبت به بخشودگی جرایم اقدام کند، ولی این بخشودگی نمی‌بایست به صورت دوره‌ای اعمال شود. زیرا خود عامل افزایش فرار بیمه‌ای خواهد شد. سازمان در زمان رکود اقتصادی نیز می‌باید برای کارفرمایان خوش حساب امتیازات ویژه‌ای قائل شود. تطبیق نرخ

جرایم با شرایط رکود و رونق اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی از دیگر پیشنهادات ارائه شده بود؛

- با گسترش خود اشتغالی و تغییر ترکیب جمعیت شاغل، بر اهمیت بیمه‌های اختیاری و مشاغل آزاد افزوده شده است. جذب و امتداد بیمه‌پردازی اینگونه بیمه‌شدگان ارتباط تنگاتنگی با شرایط اقتصادی آنها دارد. پیشنهاد می‌شود که در دوران رونق اقتصادی نسبت به جذب بیمه‌شدگان حرف و اختیاری تلاش بیشتری از سوی سازمان به عمل آید، و از افزایش نرخ حق بیمه در دوران رکود اقتصادی خودداری شود. برخی از این بیمه‌شدگان کارفرمایانی هستند که ۲۳ درصد حق بیمه کارگران (بیمه اجباری) زیرمجموعه خود را پرداخت می‌کنند. لذا رضایت خاطر آنها موجب کاهش فرار بیمه‌ای خواهد شد؛
- مطابق بند ۵ ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی یکی از منابع تأمین مالی صندوق‌ها، منابعی است که به واسطه جبران آثار و تبعات منفی سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای، توسط دولت پرداخت می‌شود. در نتیجه توجه به دوران اقتصادی و اعمال سیاست‌های دولت در این دوره‌ها به ویژه اعمال سیاست‌های انبساط پولی در شرایط رکودی و در سایر موارد می‌بایست مدنظر سیاست‌گذاران و مسئولان سازمان قرار گیرد.

منابع

الف. فارسی

۱. اورنگ، عباس؛ سیر تحول نرخ‌های حق بیمه در قوانین و مقررات مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی، تهران: معاونت فنی و درآمد، گروه تخصصی اقتصاد بیمه و برنامه‌ریزی، سازمان تأمین اجتماعی، گزارش شماره ۲۶، ۱۳۸۳.
۲. باستانزاد، حسین، و محمدولی مقدم زنجانی؛ ادوار تجاری در اقتصاد ایران، تهران: مجله روند، ۱۳۷۸.
۳. پناهی، بهرام؛ اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، مؤسسه انتشارات سوره، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی، چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۵. جلالی نائینی، احمدرضا؛ بررسی چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، طرح پژوهشی، ۱۳۷۶.

۶. چینی، حبیب؛ رکود توری و راههای مقابله با آن، مجموعه مقالات نهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۷۸، صص ۲۵۷ - ۲۷۲.
۷. ختائی، محمود، و داوود دانش جعفری؛ ناگر دوران‌های اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۸: ۱۳۸۰، صص ۳ - ۲۸.
۸. سازمان تأمین اجتماعی؛ بررسی و تجزیه و تحلیل صندوق بیمه بیکاری، معاونت فنی و درآمد، ۱۳۸۱.
۹. سازمان تأمین اجتماعی؛ ساماندهی فعالیتهای مرتبط با تصمیم‌گیری در سازمان تأمین اجتماعی، تهران: معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۸۳.
۱۰. سازمان تأمین اجتماعی؛ سند برنامه استراتژیک سازمان تأمین اجتماعی، تهران: معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۸۳.
۱۱. سازمان تأمین اجتماعی؛ راهبردهایی برای کاهش فرار بیمه‌ای در تأمین اجتماعی، تهران: معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۸۱.
۱۲. سازمان تأمین اجتماعی؛ وصول مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از دولت، تهران: دفتر تلفیق برنامه و بودجه و امور شرکتهای، ۱۳۸۳.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ تجهیز منابع سرمایه‌ای، مجموعه گزارش‌های سمینار سیاست‌ها و چالش‌های برنامه‌های توسعه در ایران، ۱۳۸۲.
۱۴. صمدی، سعید، و سید عبدالمجید جلائی؛ تحلیل ادوار تجاری در اقتصاد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶: ۱۳۸۴، صص ۱۵۳ - ۱۳۹.
۱۵. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی.
۱۶. مجموعه قوانین تأمین اجتماعی.
۱۷. مرتضوی، کیوان و همکاران؛ تحلیل هزینه و فایده بیمه حرف و مشاغل آزاد و اختیاری، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، طرح پژوهشی.
۱۸. منجدب، محمدرضا؛ تحلیل نوسان‌ها در اقتصاد ایران بر مبنای ادوار تجاری و چگونگی مدیریت آن، مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۲، صص ۲۹ - ۵۳.
۱۹. نیکوپور، حسام؛ تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی ایران با تأکید بر انگیزه فرار بیمه‌ای (۴۰ - ۱۳۸۰)، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ششم: ۱۳۸۴، شماره ۱۸.
۲۰. نیکوپور، حسام؛ مروی بر تاریخچه سرمایه‌گذاری‌ها در سازمان تأمین اجتماعی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.

۲۱. نیکوپور، حسام، و علی فلاح زیارانی؛ اصول، الزامات و اهمیت سرمایه‌گذاری منابع صندوق‌های تأمین اجتماعی، همایش سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، چالش‌های پیش رو و چشم‌انداز آتی، ۱۳۸۴.
۲۲. نیلی، مسعود، و حسن درگاهی؛ تحلیل وضعیت رکودی اقتصاد ایران بر مبنای نظریه‌های چرخه‌های تجاری و ارائه راهکارها، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۱ و ۳۲: ۱۳۷۸، صص ۳ - ۴۴.
۲۳. هادیان، ابراهیم، و محمدرضا هاشم‌پور؛ شناسایی چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۵: ۱۳۸۲، صص ۹۳ - ۱۲۰.

ب. انگلیسی

1. Canova and Nicolo, *On the Sources of Business Cycle in the G7*. University Pompeo Fabria Mimeo, 2000.
2. Farooq Arby, M., *Long-Run Trend, Business Cycles and Short-Run Shocks in Real GDP*, W. P. No. 1/01, State Bank of Pakistan. September, 2001.
3. Hodrick, R.J. and Prescott, E.C., *Post war U.S. Business Cycle An Empirical Investigation. Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 29, pp. 1-16, 1997.
4. Maravall, A. and Del Rio, A., *Time Aggregation and the Hodrick-Prescott Filter*. Banco de Espana-Servicio de Estudios, Documento de Trabajom, No. 108, 2001.
5. Pacheco, J.F., *Business Cycles in Small Open Economies: The Case of Costa Rica*. IMF. Working paper, No. 330, February, 2001.
6. Pierre Plamondon and etl, *Actuarial Practice in Social Security*, ILO and ISSA, First Published, 2002.
7. William Barnett and J. Stuart Wood, *Business Cycle Theory and Stagflation*, Presential at the Austrian Scholar's Conference, 2002.